

**بررسی تطبیقی زبان شناسی غرب و اسلام
از منظر نحو و معناشناسی**

نگارنده

منزوره لایقیان جوان



انتشارات پالیز سخن

سرشناسه : لایقیان جوان ، منصوره ، ۱۳۶۷

عنوان و نام پدیدآور : بررسی تطبیقی زبانشناسی غرب و اسلام از منظر نحو و معناشناسی

مشخصات نشر : تهران : پالیز سخن ، ۱۳۹۳

مشخصات ظاهری : ص ۱۰۲

شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۹۴۸۲۹-۳-۱

وضعیت فهرست نویسی : فیا

موضوع : زبانشناسی تطبیقی کشورهای اسلامی

شماره کتابشناسی ملی : ۳۷۱۹۶۴۶



بررسی تطبیقی زبانشناسی غرب و اسلام از منظر نحو و معناشناسی

منصوره لایقیان جوان

طرح جلد : سمانه تقوی میلانی

صفحه آرا : طیبه محبوبی نژاد

چاپ اول : تهران ، ۱۳۹۴

تعداد : ۵۰۰

قیمت : ۸۰۰۰۰

فهرست مطالب

۷.....	پیشگفتار.....
۹.....	مقدمه.....
۱۵.....	پیشینه مطالعات زبانی در سنت زبان شناسی اسلامی.....
۱۸.....	پیشینه مطالعات زبانی در زبان شناسی نوین غربی.....
۲۱.....	مکاتب گوناگون در سنت زبانی اسلام و زبان شناسی نوین غربی.....
۲۱.....	مکتب بصره و کوفه.....
۲۷.....	مکتب ساخت گرایی و گشتاری.....
۳۱.....	علوم زبانی در زبان شناسی اسلامی.....
۳۶.....	علوم زبانی در زبان شناسی غربی.....
۳۹.....	ویژگی های پژوهشی در سنت های زبان شناسی غرب و اسلام.....
۴۶.....	نحو از دیدگاه زبان شناسی غربی و اسلامی.....
۵۱.....	صرف.....
۵۴.....	آرا سیبویه و زبان شناسی معاصر.....
۵۵.....	رویکرد توصیفی سیبویه.....

۵۸.....	سیبویه مدعی تقدم گفتار بر نوشتار.....
۶۰.....	گفتار در نگاه سیبویه.....
۶۱.....	سیبویه و بلاغت.....
۶۴.....	خوب بنیادی زبان شناسی اسلامی در آثار سیبویه.....
۶۶.....	درس های ساخت واژه های سیبویه.....
۶۹.....	نظریه حاکمیت رجوع گزینی و نظریه حالت.....
۷۵.....	معناشناسی از دیدگاه زبان شناسی غربی و اسلامی.....
۷۷.....	بلاغت.....
۷۸.....	نظریه نظم جرجانی.....
۸۱.....	حقیقت و مجاز.....
۸۲.....	دانشمندان بلاغت.....
۸۴.....	امکان تاثیر آراء پژوهشگران اروپایی در بلاغت اسلامی.....
۸۸.....	دلالت.....
۹۳.....	کتابشناسی.....

تبادل علم و دانش میان فرهنگ‌ها و تمدن‌های مختلف، امری طبیعی است. از نگاه برخی از مورخان غربی، مهم‌ترین نقش مسلمانان در تکوین دانش و معرفت بشری، حفظ و نگاه داشتن دانش را انتقال آن از عصر یونانی به عصر رنسانس بوده است. اما باید دانست که مسلمانان، تنها عام و دانش بشری را حفظ کردند، بلکه با ابداعات و نوآوری‌های فراوان، بر دامنه علوم افزودند. به علاوه این علوم را به اقصی نقاط جهان منتقل کردند. دانشمندان مسلمان در حدود ۶ قرن، طلایه داران عرصه علم و دانش بشری بوده‌اند. این درحالی است که اروپا در آن زمان، صدای دانشمندان را خاموش می‌کرد. کلیسا در قرون وسطی به مخالفت با دانشمندان و مبتکران و نظریه پردازان علوم تجربی می‌پرداخت و برای این منظور دادگاه‌های ریختنیش عقاید تشکیل می‌داد. به این ترتیب، مخالفت اصحاب کلیسا با علم و تکفیر دانشمندان و فلاسفه، مانعی جدی برای گسترش دانش و نوآوری‌های علمی به شمار می‌آمد.

اما آئین مقدس اسلام از همان ابتدا، مسلمانان را به آموختن دعوت نمود. چنان که پیامبر اسلام (ص) یادگیری علم را یک فریضه واجب می‌دانست و مسلمانان را به فراگیری آن و لو با سفر به دورترین نقاط دنیا سفارش می‌کرد.

این کتاب درصدد است گامی کوچک در راستای شناساندن دانشمندان و زبان‌شناسان مسلمان بردارد.

آن چه در این کتاب بدان پرداخته می شود، بررسی تطبیقی جنبه های محدودی از نحو و معناشناسی در سنت های زبانشناسی غربی و اسلامی است. اما زوایای بسیار زیادی از نحو و معناشناسی فروگذار شده اند که البته این بدان معنا نیست که قسمت های ذکر نشده از خاطر نگارنده دور مانده اند یا کم اهمیت تلقی شده اند؛ بلکه به این دلیل است که پرداختن به تمامی مسائل در حوزه های نحو و معنا به صد ها و شاید هزاران مجلد کتاب و رساله می انجامد و از حوصله این کتاب خارج است. مباحثی که در اینجا بیان می شود شرح مختصری است از آن چه در روزگاران گذشته در زبانشناسی اسلامی بیان شده بود و اینک زبانشناسان غربی، بسیاری از همان مباحث را به زبان خود برگردانده و در قالب آرا و نظریات نو و بدیع به جهانیان عرضه کرده اند.

در این کتاب اصطلاحات عربی به مفهومی گسترده به کار رفته است به گونه ای که هم تمامی مردم عرب زبان را در برگیرد و هم نویسندگانی را که صرف نظر از خاستگاه نژادیشان، از زبان عرب به عنوان واسطه ی فرهنگی و زبان علم روز بهره جسته اند.

آن چه در ادامه بیان می شود قطره ای است از دریای بحرانی که در پی کمران عطش نویسنده در راه شناساندن پایگاه رفیع دانش و دانشمندان در جهان اسلام، البته راه درازی تا رصد کامل ستارگان علم در آسمان اسلام در پیش است.

نکته ی قابل توجهی که نگارنده در حین نگارش با آن مواجه شد، رد پای گسترده دانشمندان ایرانی در تمام کوچه پس کوچه های دانش اسلامی بود و درک این حدیث پرمغز پیامبر (ص) که:

«دانش اگر در سرزمین ثریا هم باشد مردانی از سرزمین پارس بدان دست خواهند یافت.»

وَمِنْ آيَاتِهِ خَلْقُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافُ السِّنِينَ وَالْوَاكِنُمْ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ
لِّلْعَالَمِينَ (روم: ۲۲)

و از نشانه های او، آسمان و زمین و «تفاوت زبان ها» و رنگ و نژادهایان است. همبافتن اینها نزد دانشمندان نشانه هایی است.

زبان، آسان ترین وسیله انتقال مفاهیم ذهنی در انسان به شمار می رود و ساده ترین ابزاری است که آدمی می تواند در حیات اجتماعی، معانی مورد نظر خویش را مورد تبادل و تفاهم قرار دهد. ساله های خطر تفهیم و تفهم که لازمه ی زندگی اجتماعی است تنها از همین راه است که به سادگی انجام می گیرد. لذا خداوند پس از نعمت آفرینش، آن را از بزرگ ترین نعمت ها برگزیده کرده است:

الرَّحْمَنُ، عَلَّمَ الْقُرْآنَ. خَلَقَ الْإِنْسَانَ. عَلَّمَهُ الْبَيَانَ (الرحمن: ۱-۴)

زبان به عنوان پدیده ای فطری در طول تاریخ فرهنگ و دانش انسان مورد بررسی فراوانی قرار گرفته است. انسان از زمان های بسیار دور در تلاش بوده است تا زبان را به طور دقیق بشناسد و به رموز آن دست یابد. در نتیجه زبانشناسی به معنای مطالعه ی زبان، از قدمت بالایی برخوردار است. بسیاری از دانشمندان و فلاسفه ی

تمدن‌های مهم نظیر تمدن یونان، روم، هند، اسلام و چین به این پدیده‌ی ارتباطی توجه کرده و آن را به دقت مطالعه کرده‌اند. بی شک آشنایی با چگونگی و نیز گسترش نظرات و پژوهش‌های اندیشه‌گران این تمدن‌ها درباره‌ی زبان به ژرف‌تر شدن دانش و بینش ما در این زمینه کمک می‌کند. در این کتاب دیدگاه‌های بعضی از دانشمندان اعم از دستورنویسان، متکلمان و متفکران در سنت زبانشناسی اسلامی با دیدگاه‌های نوین دانشمندان و زبانشناسان سنت زبانشناسی غربی مقایسه می‌شود.

طبیعی است که هر دو سنت زبانی نام برده با دیدگاه خاص خود به پدیده‌ی زبان نگریسته‌اند. این حال علی‌رغم تمایز دستاوردهای زبان‌شناختی این دو سنت، می‌بینیم که هر دو برآورد بسیاری نیز به هم شباهت دارند و سنت زبانشناسی اسلامی اگرچه از قرآن سرچشمه گرفته، بسیار نزدیک به زبانشناسی نوین غرب است که از فلسفه و تا حدی ز ادبیات، نشأت گرفته است.

در عالم زبانشناسی معاصر بسیار صاحب نظران بر این باورند که منشأ این علم در دنیای غرب است و «فردینان دیرسور» به عنوان پدر زبانشناسی معاصر معرفی می‌کنند. این گروه از دانشمندان نظرات ارزشمند و آثار پر مغز و فاخر متفکران اسلامی و به خصوص مسلمانان ایرانی، را آموز زبان را نادیده و یا ناچیز انگاشته و به دنبال آراء اندیشمندان غربی‌اند.

نگارنده‌ی کتاب حاضر این حقیقت را مسلم می‌داند که حاست‌گاه انقلاب علمی زبانشناسی غربی را می‌توان در میان آثار دانشمندان مسلمان ایرانی به خصوص «سیویه» جست. اما به دلیل گستردگی فراوان موضوعات در حوزه‌ی زبانشناسی به بررسی تطبیقی جنبه‌هایی از مسائل نحوی و معناشناسی بسنده کرده است.

زبانشناسی یا علم مطالعه‌ی زبان یکی از مهم‌ترین دانش‌های بشر است که از قدیم مورد توجه همه اقوام و ملل بوده و شاید بیش از هر علم دیگری دانشمندان

را به سوی خود کشیده است. در حقیقت همه‌ی مردم، شاید به سائقه‌ی فطرت خویش، به مسائل زبان به طور کلی و یا به مسائل زبان خود توجه نشان می‌دهند و از این جهت می‌بینیم که در همه‌ی نقاط جهان بین ملل متمدن از دیر زمان علوم زبانی از قبیل علم لغت، صرف، نحو، اشتقاق، معانی و بیان، معناشناسی، بدیع، عروض، قافیه، نقد شعر، نقد نثر، تجوید و امثال آن‌ها رشد بسیار کرده است.

در مغرب‌زمین ظاهراً نخستین قومی که به طور جدی به این قبیل مسائل پرداخت یونان است. به گونه‌ای که هنوز می‌توان در آثار آنان مثلاً در آثار افلاطون و ارسطو و حکمای بعد از آنها، آراء و نظریات آنها را یافت. این میراث یونانیان بعداً به رومیان رسید که آن‌ها هم مطالعات و بررسی‌هایی در این زمینه کردند و کتاب‌های متعددی نوشتند. در بعد از حتی خیلی پیش از یونانیان تحقیقات بسیار عمیق و مهمی در این زمینه انجام گرفته بود چنانکه «پائینی» در اواسط قرن چهارم پیش از میلاد، یعنی تقریباً هم‌زمان با افلاطون و ارسطو مهمترین، دقیق‌ترین و علمی‌ترین دستور زبان را در مورد زبان یونانی نوشت که از دید سایر دانشمندان جهان تا قرن هجده دور مانده بود.

در غرب در قرون وسطی که حدود هزار سال امتداد داشت، علوم و فنون و از جمله علوم زبانی تقریباً راکد شد و پیشرفت چندانی نکرد زیرا که دانشمندان چنین می‌پنداشتند که علمای قدیم یونان و روم همه‌ی گفتنی را گفته‌اند و آنها فقط باید به شرح و تفسیر آن بپردازند. نهضت رنسانس (بین قرون ۱۱ و ۱۷ میلادی) خون تازه‌ای در رگ علوم زبان وارد کرد و با کشفیات جدیدی که از آن پس رخ داد علما توانستند به زبان و ادبیات ملل دیگر چون هند و ایران و مصر و بین‌النهرین دست یابند. در این میان عجیب آن است که با وجود آن که مستشرقین به کتب تحقیقی علمای زبان عربی (که همان زبان اسلام و سنت زبان‌شناسی اسلامی است)، دسترسی یافتند و حتی در چاپ و نشر آن‌ها بر خود عرب‌ها هم تقدم یافتند و این تحقیقات

را در بررسی‌های زبانشناسی خود مسکوت گذاردند و هنگامی که تاریخ تحول زبانشناسی را می‌نویسند گویی که محققان مسلمان وجود نداشته‌اند. در حالی که شاید کمتر اصلی از اصول یا نظریات جدید زبانشناسی را می‌توان یافت که در کتب زبانشناسی اسلامی در گذشته به نحوی مورد بحث واقع نشده باشد.

لذا در این کتاب، نگارنده سعی دارد ضمن بررسی مکاتب مختلف در زبانشناسی اسلامی یعنی مکتب کوفه و بصره روش پژوهش در علوم اسلامی را روشن سازد تا در پرتو آن دیدگاه دانشمندان اسلامی قابل درک باشد. همچنین میان دستور سنتی غرب و دستور سنتی اسلامی مقایسه‌ای صورت می‌گیرد و نشان داده می‌شود که سنت‌های زبانی اسلامی تا چه حد به زبانشناسی نوین نزدیک است.

نویسندگان متعددی از جمله «بوآس» و «گی‌یام» در کتاب «سنت زبانشناسی عربی» به بررسی دیدگاه‌های دانشمندان اسلامی با توجه به رویکردهای زبانشناسی جدید پرداخته‌اند اما کمبود آرا زیاد است. در این آثار به چشم می‌خورد؛ مثلاً غفلت ورزیدن از طرح دیدگاه‌های برخی از دانشمندان اسلامی از جمله نظریه‌های صوت‌شناختی ابن سینا، عدم توجه به مباحث معناشناسی در منطق و اصول فقه دانشمندان اسلامی و صرفاً تکیه داشتن بر مباحث صرفی بدون توجه به مسایل صوت‌شناسی.

در چند دهه‌ی اخیر، زبانشناسی غربی در ایران گسترش فراوان یافته است؛ به طوری که اکثر منابع و کتاب‌های در دسترس جهت استفاده‌ی دانشجویان در مقاطع کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری توسط نویسندگان غربی به نگارش درآمده‌اند. حال آن‌که زبانشناسی جهان اسلام و ایران به رغم اهمیت آن مورد توجه نبوده است و تنها واحدهای درسی محدودی در این دوره‌های دانشگاهی به موضوع تاریخ مطالعات زبانی دانشمندان اسلامی و ایرانی اختصاص داده شده است.

اهمیت نگارش کتاب حاضر در این است که سعی دارد آثار دانشمندان

برجسته‌ی اسلامی و ایرانی چون سیبویه، ابن جنی، جرجانی، جاحظ و ... را با دیدگاه‌های جدید زبانشناسی غربی مقایسه کند که با روشن شدن نکات تشابه و تفاوت آراء دانشمندان اسلامی و غربی می‌توان تصویری واضح‌تر و تفسیری کامل‌تر از علم زبانشناسی به دست آورد و متوجه شد که بسیاری از اصول یا متغیرهای زبانشناسی نوین را می‌توان در میان نظرات و نگرش‌های دانشمندان جهان اسلام پیدا کرد.

بیگانگی جامعه‌ی زبانشناسی امروز ایران و عامه‌ی مردم با زبانشناسان مسلمان و مفاهیم زبانشناسی، به مراتب بیشتر از بیگانگی جامعه‌ی چند دهه‌ی پیش با زبانشناسی جدید است. زیرا در آن روزگار رشته زبانشناسی رشته دانشگاهی نوپایی بود که به تدریس می‌رفت تا جای خود را در جامعه دانشگاهی ایران بیابد. حال آن که هم اکنون هیچ رشته دانشگاهی در ایران وجود ندارد که گروهی را به دانش‌های مورد نیاز برای حقیقت در تاریخ زبانشناسی اسلامی تربیت کند. چنین شرایطی اقتضای می‌کند که دست‌سازای عمومی لازم جهت آشنایی فرهیختگان با تاریخ این علم در جهان اسلام انجام یابد تا شاید با شناخت پیشینه‌ی بومی علم زبانشناسی در فرهنگ اسلامی، زمینه برای بومی سازی این علم در سطح آکادمیک نیز فراهم گردد و به کمک نظریه پردازی رشته دار در شاخه‌های مختلف زبانشناسی بیاید.